
مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به فراخور مطالب، به نظام اقتصادی ایران نیز اشاره خواهیم نمود.

کلیدواژه‌ها: جرایم شرکتی، ماهیت نظام اقتصادی، جرم‌شناسی انتقادی، نظام اقتصادی لیبرال، نظام اقتصادی دولتی.

جرایم شرکت‌ها (یا به تعبیر برخی،^۱ جرایم شرکتی) یک مفهوم نوین یا بازاندیشیده شده از مفهوم جرایم یقه‌سفیدها است که توسط ساترلند مطرح شده بود. بستر اصلی مفهوم جرم شرکتی، جرم‌شناسی‌های انتقادی انتهای سده بیستم و ابتدای سده بیست و یکم است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این مفهوم سازی در فرایند گذار از جرم‌شناسی سنتی به جرم‌شناسی انتقادی صورت گرفته است. یعنی مفهوم جرم یقه‌سفیدی در جرم‌شناسی سنتی، در فرایند گذار و به مقتضای شرایط زمانی و مکانی به‌ویژه توسعه کمی و کیفی اشخاص حقوقی، به مفهوم جرم شرکتی در جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین، تغییر و تبدیل یافته است. البته جرم یقه‌سفیدی و جرم شرکتی علیرغم شباهت‌های فراوان، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. مانند اینکه مرتکب جرم شرکتی لزوماً از اشخاص طبقه بالا و مرفه جامعه نیست. با توجه به ماهیت خاص جرایم شرکت‌ها، گاهی این جرایم را با عناوینی چون جرایم تجاری، جرایم طبقه ممتاز،^۲ جرایم اقتصادی، جرایم مالی و جرایم شغلی^۳ (سازمانی) مترادف دانسته و از این این واژگان استفاده می‌کنند، اما نگارنده همچنان از اصطلاح جرایم شرکتی که گویاتر و رایج‌تر است، استفاده می‌نماید.

در تعریف جرایم شرکتی همانند تعریف جرایم یقه‌سفیدی، نظر واحدی وجود ندارد. برخی معتقدند که جرایم شرکت‌ها، چیزی جز بازتاب اعمال مجرمانه مدیران شرکت یا بنگاه نیست و در واقع جرایم شرکت‌ها را به جرایم مدیران همانندسازی کرده‌اند.^۴ اما برخی دیگر معتقدند که جرایم شرکت‌ها، مستقل از جرایم مدیران است، زیرا اشخاص حقوقی، پدیده‌ای واقعی، مستقل و واجد اثر در دنیای کسب و کار هستند و لذا باید مسئولیت کیفری جدا از مدیران خود داشته باشند.

با این تفاسیر، در ساده‌ترین تعریف می‌توان گفت که جرم شرکتی عبارت است از رفتار شرکت یا عاملان شرکت، بنگاه یا مؤسسه به نمایندگی از شرکت و به نام و به حساب آن شرکت، که در بستر فعالیت شغلی ارتکاب یافته و طبق قوانین کیفری،

۱. محسنی، فرید، «جرایم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۱؛ سیمپسون، سالی؛ و دیوید ویزبرد، جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان، برگردان حمیدرضا دانش‌ناری و آزاده صادقی، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.

2. Elite crimes

3. Organizational crimes

۴. گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲، ص. ۱۳۶.

ممنوع و قابل مجازات است.^۱ به نظر می‌رسد به منظور از گزاره اول یعنی رفتار شرکت، در واقع اقدامات مجرمانه جمعی مدیران شرکت است که در راستای اهداف شرکت و به نام و به حساب آن شرکت انجام می‌دهند و در این موارد تصمیم‌ها و رفتار مجرمانه آنها، به منزله تصمیم و رفتار شرکت تلقی می‌گردد. چون در پس جرایم متنوع شرکت‌ها، تصمیم‌گیران یعنی اشخاص حقیقی یا ارگان‌های جمعی وجود دارند.^۲

در همین راستا می‌توان گفت که با جهانی شدن اقتصاد و افزایش مراودات تجاری بین شرکت‌ها و همچنین حرکت نظام اقتصادی کشورها به سوی نظام اقتصادی آزاد و مبتنی بر رقابت و کسب حداکثر سود، فرصت‌ها و زمینه‌های ساختاری زیادی جهت ارتکاب جرایم یقه سفیدان و جرایم شرکتی فراهم شده است.

این جرایم مانند سایر جرایم از اتحاد و اقتران عوامل متعددی پدید می‌آیند که یکی از این عوامل، ماهیت نظام اقتصادی است. به عبارت دیگر، گاهی نوع و ماهیت نظام اقتصادی می‌تواند بسترساز ارتکاب این جرایم گردد. از لحاظ جامعه‌شناسی جنایی، محیط (نظام) اقتصادی را باید جزو محیط اجتماعی عمومی قلمداد کنیم چرا که خود و آثار آن برای همه شهروندان مشترک است.^۳ جرایم شرکتی همانند جرایم اقتصادی، از نظام اقتصادی هر جامعه مستقیماً متأثر می‌شود. به عبارت دیگر، میان گونه و میزان جرایم شرکتی از یکسو و نظام اقتصادی حاکم، رابطه مستقیم وجود دارد.^۴ برای نمونه، در نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی که تصدی امور اقتصادی در دست دولت است، جرایمی مانند اختلاس و سوءاستفاده از اموال دولتی بسیار شایع و رایج است.

ماهیت و ساختار نظام اقتصادی یک کشور از لحاظ علت‌شناسی جرایم شرکتی، از اهمیت والایی برخوردار است. به عبارت دیگر، اقتصاد و سیستمی که برای آن انتخاب می‌شود، از اهمیتی حیاتی برای کشور برخوردار است زیرا گاه ماهیت و ساختار نظام اقتصادی یک کشور و سیاست‌های اقتصادی و مالی که در یک کشور وجود دارد، زمینه را برای ارتکاب جرایم شرکتی فراهم می‌کند، مثل وجود یارانه‌های دولتی یا تبعیض در

1. Simpson, Sally, Corporate Crime, Law and Social Control, Cambridge University Press, 2002, pp. 6-7.

۲. نجفی ایرندآبادی، علی حسین؛ و مجید صادق‌نژاد نایینی، «نظریه عمومی فشار و جرایم شرکتی»، مجله تحقیقات حقوقی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۲، ص. ۲.

۳. نجفی ایرندآبادی، علی حسین، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم» (دیباجه ویراست دوم)، در: نجفی ایرندآبادی، علی حسین؛ و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳، ص. ۱.

۴. ابراهیمی، شهرام، «درباره اهمیت جرایم اقتصادی (دیباجه مترجم برای ویراست دوم)»، در: گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲، ص. ۱۵.

اعطای تسهیلات مالی. به نظر می‌رسد که جرایم شرکتی را نمی‌توان بیرون از بافت و ماهیت (ساختار) نظام اقتصادی مورد توجه قرار داد. حتی برخی نویسندگان قائل به این امر هستند که جرایم شرکتی تنها در ارتباط با ساختار اقتصادی و شرایط و فرصتهایی که نظام و ساختار اقتصادی یک جامعه در اختیار افراد می‌گذارد، قابل درک هستند که این صحبت حاکی از اهمیت این عامل در علت‌شناسی جرایم شرکتی می‌باشد.

ساختار نظام اقتصادی معمولاً به دو شکل است.^۱ گاهی به صورت اقتصاد دولتی است یعنی واحدهای تولیدی و فعالیت‌های بازرگانی همه یا اکثر آنها مربوط به دولت است و دولت تصدی امور اقتصادی را به دست دارد. اما گاهی ماهیت نظام اقتصادی، نظام سرمایه‌داری آزاد است که مشخصه آنها از یکسو مالکیت خصوصی وسایل تولید و جدایی سرمایه و کار و از سوی دیگر، داد و ستد اموال و خدمات است که بهای آنها برحسب نقش عرضه و تقاضا معین می‌شود.^۲ کشورهای غربی از لحاظ اقتصادی به نظام سرمایه‌داری آزاد معروف هستند و اکثر کشورهای در حال توسعه، به نظام اقتصادی دولتی معروف هستند.

در مورد بحث جرایم شرکتی - که موضوع مطالعه مقاله حاضر است - نیز این رویکرد وجود دارد که ماهیت و ساختار نظام اقتصادی، اعم از آزاد (لیبرال) یا دولتی در ارتکاب جرایم شرکتی مؤثر هستند. از این‌رو، مطالب را در قالب سه بند بررسی می‌کنیم. در بندهای اول و دوم به بررسی و تحلیل ارتباط بین ساختار نظام‌های اقتصادی لیبرال و دولتی با جرایم شرکتی می‌پردازیم و در بند سوم به وضعیت نظام حقوقی ایران در این خصوص خواهیم پرداخت، زیرا از یک‌سو، گسترش کمی و کیفی شرکت‌های تجاری در جامعه امروز ایران و جرایمی که بعضاً مرتکب می‌شوند یکی از دغدغه‌های مهم دستگاه عدالت کیفری است و از سوی دیگر، ماهیت و ساختار خاصی که نظام اقتصادی ایران دارد بر اهمیت این موضوع و تحلیل آن می‌افزاید. همچنین برای تحلیل و بررسی بهتر مطالب، نظریات جرم‌شناسی مرتبط که در این خصوص مطرح شده است را نیز به فراخور مطالب، بیان و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. البته این مطلب قابل ذکر است که ایرادات وارد بر هر دو نظام باعث ظهور نظام سومی به نام نظام اقتصادی مختلط گردیده است که در آن، تقسیم منابع و فعالیت‌ها بین بخش دولتی و بخش خصوصی بر مبنای کارایی و اثربخشی است و در بند سوم و در مبحث مربوط به نظام اقتصادی ایران به این امر اشاره خواهد شد زیرا برخی معتقدند که نظام اقتصادی ایران از ماهیت مختلط برخوردار است.

۲. گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، اسفندماه ۱۳۸۸، ص. ۱۰۸.

۱. ساختار نظام اقتصادی لیبرال و جرایم شرکتی

اقتصاد آزاد (لیبرال) آن است که کلیه اختیارات و تصدی‌گری‌های اقتصادی در اختیار بخش خصوصی و تعاونی قرار بگیرد و دولت فقط نقش هدایتگری دارد و دخالت مستقیم در امور اقتصادی نمی‌کند.^۱ در این نظام اقتصادی، قیمت‌ها بر اساس میزان عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد و رقابت بین شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری برای جذب مشتری و کسب حداکثر سود، از شاخص‌های این نوع نظام اقتصادی است. با اینکه تقریباً تمامی کشورهای جهان به سوی این اقتصاد می‌روند، اما برخی از دانشمندان معتقدند که ماهیت و ساختار نظام اقتصادی آزاد یا لیبرال، زمینه‌ساز ارتکاب جرایم شرکتی است. در این زمینه می‌توان به نظریه‌های مُدرن "استقلال بزهکاری شرکت‌ها" اشاره کرد. این نظریه‌ها با استناد به این اصل که در اقتصاد لیبرال و به طریق اولی در عصر جهانی شدن این اقتصاد، هدف اصلی هر شرکت، به حداکثر رساندن سود است، چنین نتیجه می‌گیرند که بزهکاری اقتصادی به طور کلی و جرایم شرکت‌ها به طور خاص، جزء اجتناب‌ناپذیر این نوع نهادهای اقتصادی است. زیرا اینها به منظور ادامه حیات و توسعه در فضای رقابت، راهی جز توسل به بزهکاری ندارند. در واقع به نظر می‌رسد در اینجا به طرز عجیبی با بازتولید نوعی بزهکار بالفطره یا حداقل شرکت بزهکار بالفطره مواجه باشیم.^۲ در همین راستا، برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که در نظام‌های اقتصادی آزاد، فعالیت‌های غیراخلاقی شکل می‌گیرد که مسائل بنیادی جامعه را مورد تهدید قرار داده و تربیت دینی و بازدارندگی اخلاقی فرد را از بین می‌برد. برای نمونه، برتری منافع فرد بر منافع جمع این امر را به دنبال خواهد داشت که تولیدکننده هزینه‌های جمعی ناشی از تولیدشان را که بر اثر فعالیت‌شان متوجه جامعه و محیط اطراف گردیده و در ادبیات اقتصادی از آن به اثرات بیرونی تعبیر می‌شود، بر عهده نگیرد، زیرا تولیدکننده در تلاش است که میزان تولید را بالا ببرد و لذا خود را در قبال جرایمی مانند آلودگی محیط زیست، متعهد نمی‌داند.^۳ به عبارت دیگر، این دانشمندان معتقدند که ماهیت و ساختار نظام اقتصاد آزاد که مشتمل بر رقابت و به حداکثر رساندن سود است، عامل و ساختاری مهم برای ارتکاب جرایم

۱. برخی اندیشمندان اسلامی معتقدند که اصول اسلامی با نظام اقتصادی آزاد یا لیبرال سازگارتر است. رک. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، «زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۸۶، ص. ۱۵.

۲. گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، منبع پیشین، ص. ۱۳۷.

۳. مهدوی، محمدمهدی، «توسعه اقتصادی در اقتصاد دولتی و خصوصی»، مجله جامعه فردا، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۵، ص. ۲۳۶.

شرکتی است؛ چرا که همین رقابت در بازار می‌تواند منجر به جرایمی مانند تبانی در تعیین قیمت یا جرایم علیه مصرف‌کننده گردد که همگی ناشی از ساختار اقتصاد لیبرال است. بدین‌سان می‌توان گفت که مطابق این رویکرد، جرایم شرکتی نتیجه اجتناب‌ناپذیر و ناخواسته ماهیت نظام اقتصادی لیبرال است.

در همین راستا می‌توان برای تبیین بهتر بحث، به رویکردهای جرم‌شناسی‌های انتقادی اشاره کرد، زیرا در برخی شاخه‌های جرم‌شناسی‌های انتقادی مانند جرم‌شناسی مارکسیستی، به انتقاد از نظام اقتصادی آزاد یا لیبرال پرداخته و آن را عامل ارتکاب جرایم اقتصادی (از جمله جرایم شرکتی) تلقی نموده‌اند. از این‌رو در ادامه، رابطه نظام اقتصادی لیبرال با جرایم شرکتی را از منظر برخی از شاخه‌های جرم‌شناسی‌های انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. رویکرد جرم‌شناسی مارکسیستی به نظام اقتصادی لیبرال

در آغاز سده بیستم، جرم‌شناسان طرفدار رویکرد مارکسیستی، در مقام نقد مطالعات جرم‌شناسی سنتی برآمدند و فقر مادی - فرهنگی حاکم در جوامع را که پیامد اجتناب‌ناپذیر بهره‌کشی اقتصادی اقلیت سرمایه‌دار و قدرت‌مدار از اکثریت مردم می‌دانستند، به فقر و آثار مجرمانه آن جنبه ایدئولوژیک دادند. به نظر آنان، شکاف طبقاتی و تکاثر ثروت و قدرت در دست اقلیتی از اعضای جامعه منجر به توزیع ناعادلانه موقعیت‌ها و امکانات مادی - اجتماعی می‌شود و بدین ترتیب، اکثریت مردم محروم‌شده از قدرت و ثروت در مقام اعتراض به شرایط تحمیلی چنین نظام اجتماعی، به رفتارها و گفتارهایی متوسل می‌شوند که نظام کیفری حاکم و غالب آنها را جرم‌انگاری کرده است. بزهکاری، در چنین شرایطی به عنوان نوعی مقاومت و مبارزه علیه بی‌عدالتی‌های اجتماعی توجیه می‌شود و حقوق کیفری حامی منافع طبقه حاکم تلقی می‌گردد. با فروپاشی چنین نظام اقتصادی - اجتماعی طبقاتی است که بزهکاری هم از میان خواهد رفت. بدین‌سان، از نظر جرم‌شناسان مارکسیست، اقتصاد به عنوان زیربنای جامعه سرمایه‌داری و در نتیجه طبقاتی، به بزهکاری و حقوق کیفری شکل و جهت می‌دهد.^۱ از نظر این رویکرد، نظام سرمایه‌داری اغلب به عنوان نظامی است که در آن مالکان سرمایه‌های بزرگ وجود دارند و واحدهای بزرگ تولیدی و سرمایه‌داری به آنها تعلق دارد. سرمایه‌داری پشتیبان نابرابری‌های درآمد و ثروت است و این نابرابری را ناشی از مقدار کمی می‌داند که افراد با صرف انرژی و منابع خود (کار، زمین و

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، منبع پیشین، صص. ۱۵-۱۶.

سرمایه) به جریان تولید می‌کنند و به همان نسبت از آن بهره‌مند می‌شوند. سرمایه‌داری هوادار لیبرالیسم اقتصادی است و بازار آزاد اقتصادی را که در آن همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آزادانه و با امکان انتخاب با هم روبرو شوند، شرط لازم نمایان شدن توانمندی‌های تولیدی و پیشرفت اقتصادی می‌داند.^۱ جرم‌شناسان مارکسیستی (سوسیالیست) معتقدند که نظام سرمایه‌داری، خود ذاتاً موجب تمرکز ابزار تولید، صنعت و ثروت در دست یک طبقه خاص یعنی طبقه بورژوا و سرمایه‌دار می‌شود و در نهایت به بی‌عدالتی اجتماعی، فقر و بزهکاری و انحراف اجتماعی در بخش وسیعی از اعضای محروم جامعه منجر خواهد شد. بنابراین با فروپاشی نظام‌های سیاسی لیبرال و نظام سرمایه‌داری آن، بهره‌کشی طبقه اقلیت سرمایه‌دار از طبقه گسترده کارگران متوقف می‌شود و در نتیجه بزهکاری و انحراف به عنوان آثار بی‌عدالتی اجتماعی، فقر و بهره‌کشی عمومی، از میان خواهد رفت.^۲ ویلیام بنگر^۳ یکی از نخستین جرم‌شناسان مارکسیستی در کتابش با عنوان "مجرمیت و شرایط اقتصادی ۱۹۱۶"، نظریه‌ای گسترده در مورد جرم ارائه داد و استدلال نمود که نظام اقتصادی سرمایه‌دار تمامی مردم را تشویق می‌کند که حریص و خودخواه باشند و بی‌آنکه به رفاه هموعان خویش توجه کنند، منافع خویش را دنبال نمایند. جرم در طبقات فرودست متمرکز است زیرا نظام عدالت کیفری، حرص نیازمندان را جرم می‌انگارد در حالی که برای ثروتمندان فرصت‌های قانونی‌ای را مجاز می‌دارد تا تمایلات خودخواهانه‌شان را ادامه دهند. وی استدلال نمود که در یک جامعه سوسیالیست، جرم از بین خواهد رفت زیرا این جامعه نگرانی برای رفاه کل جامعه را ترویج می‌دهد و یکسوگرایی قانونی‌ای را که به نفع ثروتمندان است برطرف خواهد نمود.^۴

یکی دیگر از وجوه مخالفت مارکسیست‌ها با نظام سرمایه‌داری مربوط می‌شود به مداخله و نفوذ صاحبان سرمایه در هنجارگذاری کیفری و اعمال واکنش‌های اجتماعی. زیرا این افراد، صاحب سرمایه و مالک ابزار تولیدی هستند و دولت‌ها تمایل زیادی دارند تا به اصطلاح با آنها راه بیابند و همین عامل موجب لابی‌گری و نفوذ آنها در مراجع تقنینی، قضایی و اجرایی می‌گردد. جرم‌شناسان مارکسیستی این‌گونه استدلال می‌کنند که تمرکز قدرت و ثروت در دست یک طبقه کوچک سرمایه‌دار باعث ایجاد پیامدها و

۱. وایت، راب؛ و فیونا هینس، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۸۹، صص. ۳۱۷-۳۱۸.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، منبع پیشین، صص. ۱۶-۱۵.

3. Willem Bonger

۴. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ و جفری اسنیپس، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، ویراست ششم، تهران، نشر دادگستر، سال ۱۳۹۲، ص. ۳۵۸.

عواقبی در مورد تعریف و واکنش نسبت به جرم شده است. اگر قدرت در دست آن گروه از افرادی که مالک ابزار تولید می‌باشند تمرکز پیدا کرده باشد، آنان در مورد اینکه چه رفتاری به عنوان رفتار مجرمانه تعریف شود و یا چه رفتاری به عنوان رفتار مجرمانه تعریف نشود تأثیر خواهند گذاشت و تا سطح خاصی نظرات خود را تحمیل خواهند کرد. همچنین افراد با نفوذ و ثروتمندان قادر به تأثیرگذاری بر روی واکنش‌های اجتماعی هستند که در برابر عملکردهایی که مجرمانه فرض شده‌اند صورت می‌گیرند. برای مثال افراد صاحب نفوذ می‌توانند در مورد شیوه دخالت دولت برای نمونه در مورد موضوعاتی نظیر تخریب محیط زیست مداخله بکنند.^۱ قابل ذکر است که با فروپاشی نظام‌های سیاسی سوسیالیستی، جرم‌شناسی مارکسیستی نیز رو به افول نهاد، اما با این وجود برخی نویسندگان معتقدند که این جرم‌شناسی علیرغم افولی که در قرن بیستم داشته است، در قرن بیست و یکم و همزمان با رشد دیدگاه‌های انتقادی در جرم‌شناسی، دارای افقی روشن و پرجنب و جوش شده است.^۲

در پایان این بحث، ذکر این نکته لازم است که رویکردهای مارکسیستی به جرایم خاصی - مثلاً جرایم شرکتی - توجه نداشتند و به طور کلی از رابطه نظام اقتصادی سرمایه‌داری و جرایم ارتكابی سخن رانده‌اند که جرایم شرکتی نیز به عنوان یکی از مصادیق مجرمانه در تحلیل آنها قرار خواهد گرفت.

۲-۱. رویکرد رادیکالیسم جدید یا چپ نو^۳

این رویکرد از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی و محصول دهه ۱۹۶۰ میلادی بود و اعتراضی بر علیه مصرف‌گرایی و زندگی روزمره در جهان سرمایه‌داری محسوب می‌شد. چپ نو روی هم‌رفته جنبشی رمانتیک، ضدروشنفکری و انقلابی بود و در مقابل از عمل مستقیم بر ضد کل سیستم سرمایه‌داری حمایت می‌کرد. این رویکرد معتقد بود که کل اجزای نظام سرمایه‌داری به هم پیوسته است و باید کل آن را یکباره نفی کرد. همچنین این رویکرد از شرکت مستقیم گروه‌ها و افراد در زندگی سیاسی حمایت می‌کردند.^۴ برخی نویسندگان از رویکردهای انتقادی و رادیکالی مانند رویکرد چپ نو، به عنوان جرم‌شناسی تضاد^۵ یاد می‌کنند، زیرا این رویکردها بر فاصله طبقاتی و وجود

۱. وایت، راب؛ و فیونا هینس، منبع پیشین، ص. ۱۶۷.

2. Cowling, Mark, *Marxism and Criminological Theory: a Critique and a Toolkit*, Palgrave Macmillan, 2008, p. 237.

3. *New Left (New Radicalism)*

۴. وایت، راب؛ و فیونا هینس، منبع پیشین، صص. ۳۲۴ و ۳۲۵؛ همچنین برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک:

Carrington, Kerry; and Russell Hogg, *Critical Criminology (Issues, Debates, Challenges)*, Willan Publishing, 2002, p. 218.

5. *Conflict Criminology*

تبعیض و تعارض منافع بین طبقه دارا و فقیر تأکید می‌ورزند و به طور کلی با الهام از دیدگاه‌های مارکسیستی، یکی از علل مهم ارتکاب جرایم را وجود ساختار اقتصادی دنیای سرمایه‌داری می‌دانند.^۱

بنابراین مطابق رویکردهای جرم‌شناسی انتقادی، ساختار نظام اقتصادی سرمایه‌داری یا لیبرال، عامل تسهیل‌کننده ارتکاب جرایم از جمله جرایم شرکتی هستند. اما باید توجه داشت که جرم‌شناسی‌های انتقادی هنوز در دوران طفولیت خود می‌باشند. این نظریه‌ها یک سری دلمشغولی‌هایی که اساساً ناشی از تفکرات سوسیالیستی و رادیکالی هستند را نشان داده و از آنها نشأت می‌گیرند. از طرف دیگر، این نظریه‌ها و دورنماهایشان همان‌طور که برخی صاحب‌نظران بیان داشته‌اند، حاصل تحقیقات میدانی و تجربی نیست، بلکه بیشتر جنبه نظری، فلسفی و گاه سیاسی - ایدئولوژیک، اعتراضی و مطالباتی دارد و لذا در علمی بودن آنها و کاربردشان باید با احتیاط فراوان عمل نمود.^۲

حال سؤال مهمی که مطرح می‌گردد این است که آیا واقعاً می‌توان به طور قطعی گفت که بین ساختار نظام اقتصادی لیبرال و جرایم به طور عام و جرایم شرکتی به طور خاص، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. برخی تحقیقات صورت گرفته، همان‌طور که بیان شد، بیانگر وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر هستند. اما برخی نویسندگان در این مورد تردید کرده‌اند و بیان داشته‌اند که ظهور اقتصاد بازار آزاد در انگلیس و آمریکای شمالی در دهه ۱۹۸۰ باعث رشد انفجاری اشکال جدید جرایم تجاری و یقه‌سفیدی شد. با این همه نمی‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که افزایش انفجاری جرایم علیه اموال و خشونت‌بار که بی‌شک با تجربه بازار آزاد در دولتهای تاجر و میجر مصادف بوده است، نشانه‌ای مثبت از رابطه‌ای مستقیم و قطعی میان اقتصاد بازار آزاد و چیزی به نام جرم است.^۳ به نظر می‌رسد که به طور قطعی نمی‌توان گفت که بین ساختار اقتصاد سرمایه‌داری و جرایم شرکتی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. هرچند ممکن است که این ساختار و برخی کارکردهای آن باعث ایجاد یا تسهیل برخی جرایم گردد اما این امر به معنای این نیست که کل ساختار اقتصاد لیبرال بیمار بوده و باعث جرم‌زایی می‌گردد، به خصوص آنکه تجربه کشورهای سوسیالیستی که مخالف

1. Siegel, Larry, *Criminology; the Core*, Fourth Edition, Wadsworth Cengage Learning, 2011, p. 12

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، منبع پیشین، ص. ۱۹.

۳. مگوایر، مایک؛ گان، رادمور؛ و رابرت رینر، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد اول، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۹، صص. ۴۲۸-۴۲۷.

اقتصاد لیبرال و طرفدار اقتصاد دولتی بودند نشانگر عدم موفقیت این نوع از نظام اقتصادی (یعنی اقتصاد دولتی) بوده است.^۱ همچنین باید توجه داشت که در فرایند خصوصی سازی اقتصاد، مرحله‌ای با نام مرحله گذار داریم که در این مرحله بستر ارتکاب بسیاری از جرایم فراهم می‌گردد و لذا نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت بسیار قوی و علمی دارد و ارتکاب جرایم در این برهه زمانی به غلط، به پای خصوصی سازی و ماهیت نظام لیبرال گذاشته می‌شود. النهایه به نظر می‌رسد که نظام اقتصادی لیبرال - علیرغم ایرادات و اشکالاتی که دارد - دارای مضار بسیار کمتری نسبت به نظام اقتصادی دولتی است، به ویژه آنکه امروزه حتی نظام‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته که ادعای لیبرال و آزاد بودن هم دارند، به طور کامل و محض آزاد نیستند و دولت در آنها نقش نظارتی و هدایتگری را ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر، شعار معروف لیبرالیسم اقتصادی؛ "بگذار بشود، بگذار برود" به این معنا که دولت باید خود را از فعالیت‌های اقتصادی کنار کشیده و به ارائه خدمات امنیتی و نظارتی بسنده کند، در این صورت عدم مداخله دولت سبب می‌شود یک نظم خودجوش در میان کنشگران ایجاد شود و روابط اقتصادی به خودی خود شکل گیرد، دیگر منتفی شده و در عمل نمی‌توان هیچ کشوری را یافت که عرصه اقتصاد را به حال خود واگذارده باشد تا "نظمی خودجوش" آن را سامان ببخشد. تجربه کشورهای مختلف در طول سال‌های پس از تولد این نظریه، تردیدی در ناکارآمدی آن باقی نمی‌گذارد.^۲ به موارد فوق باید این نکته را نیز اضافه نمود که شواهد نشان می‌دهد که در اغلب کشورها، بسیاری از نگاه‌های دولتی نه تنها ناکارا و غیربهره‌ور هستند و به افزایش منابع و درآمد دولت کمک نمی‌کنند، بلکه به دلیل جذب انواع کمک‌ها و یارانه‌ها، باعث افزایش هزینه‌های دولت نیز می‌گردند. بنابراین دولت‌ها جهت کاهش کسر بودجه خود، اقدام به خصوصی سازی شرکت‌های دولتی می‌نمایند.^۳

۱. برای نمونه رک. پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم (با اضافات و بازنگری شده)، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۳، ص. ۵۹. وی بیان می‌دارد که بزهدکاری در جوامع اروپای شرقی قبل از فروپاشی نظام سوسیالیستی و کمونیستی در سال ۱۹۸۹ مستقیماً با ساختارهای اقتصادی و سیاسی آنها ارتباط داشته است. تغییر ساختارهای اتحادیه جماهیر سوسیالیستی شوروی از آغاز سال‌های ۱۹۹۰، نشان داد که بزهدکاری و فساد در این منطقه از دنیا قابل توجه بوده است.

۲. فیروزمینش، افشین، نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، مرداد ۱۳۸۵، ص. ۱۱۱.

۳. کابلی‌زاده، احمد، خصوصی سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تابستان ۱۳۸۴، ص. ۲۱.

۲. ساختار نظام اقتصادی دولتی و جرایم شرکتی

در اقتصاد دولتی، کلیه یا اکثر امور اقتصادی توسط دولت انجام می‌گیرد و دولت به طور مستقیم در امور اقتصادی مداخله و تصدی‌گری می‌کند. به عقیده بسیاری از اقتصاددانان، دولتی بودن اقتصاد عامل اصلی بروز جرایم شرکتی است. زیرا این نوع نظام اقتصادی باعث از بین رفتن رقابت شده و باعث ایجاد رانت اقتصادی می‌گردد و این رانت اقتصادی هم باعث جرایم شرکتی می‌گردد. به عبارت دیگر، هنگامی که حجم عظیمی از تصدی‌گری امور اقتصادی توسط دولت صورت بگیرد، این امر زمینه‌ساز بروز سوءاستفاده‌های اقتصادی کلان می‌گردد که یکی از مهم‌ترین این موارد، ایجاد رانت‌های اقتصادی در بین کارمندان و نهادهای دولتی است که باعث ضربه زدن به نظام اقتصادی سالم و مبتنی بر رقابت می‌گردد. از طرف دیگر، دخالت بیش از حد دولت در امور اقتصادی باعث می‌گردد تا برنامه‌ها و تدابیر اقتصادی به طور دقیق و علمی تدوین نگردند و همین امر باعث برهم خوردن توازن بازار و ایجاد اختلال در آن می‌گردد و اینچنین بازاری، یک بستر مناسب برای ارتکاب جرایم شرکتی خواهد بود. به عقیده برخی، میزان دخالت دولت در امور اقتصادی با میزان تحقق جرایم اقتصادی رابطه مستقیم دارد بدین معنا که در جوامع دارای اقتصاد آزاد که محدودیت‌های کمتری وجود دارد جرایم کمتری نیز رخ می‌دهد. اما در نظام‌های دارای اقتصاد دولتی جرایم بیشتری رخ می‌دهند زیرا در این نظام، دولت برنامه‌ریزی و اداره اقتصاد را بر عهده دارد و ثروت‌های طبیعی و وسایل عمده تولید در اختیار دولت است.^۱ بنابراین یکی از پیامدهای اقتصاد دولتی، بزرگ شدن دولت است که این قضیه موجب ایجاد رانت و مفاسد مالی از جمله جرایم شرکتی می‌گردد. لذا مباحث این بند را در قالب سه قسمت به شرح ذیل دنبال می‌کنیم.

۲-۱. مالکیت و تصدی‌گری دولت در اقتصاد: بستری مناسب برای

ارتکاب جرایم شرکتی

بزرگی دولت (دولت دارای اختیارات وسیع که زمام اکثر امور اقتصادی را به دست دارد) از خصایص اصلی نظام‌های اقتصادی دولتی است. بزرگی دولت از چند جنبه بر روند ارتکاب جرایم اقتصادی و شرکتی تأثیر می‌گذارد. نخست، بزرگی دولت منجر به گستردگی حیطة اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح وسیعی دارای اعمال قدرت

۱. زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱، ص. ۵۱

و نفوذ می‌گردند. این روند در برخی کشورهای جهان سوم به نحوی است که تقریباً حیطه بخش خصوصی با نوعی محدودیت و فضای ناکافی روبروست. شواهد نشان داده است که گستردگی وظایف بدون تردید منجر به ایجاد رانت‌ها و امکانات فسادآمیز متعدد خواهد شد.^۱ مثلاً در بحث تخصیص منابع و اعطای تسهیلات دولتی، فقط شرکت‌هایی می‌توانند از این تسهیلات سودآور استفاده کنند که دارای نفوذ و رانت باشند و در این راستا ارتکاب اعمالی مانند ارتشاء کاملاً قابل پیش‌بینی است.

دوم آنکه، این گستردگی موجب به وجود آمدن نیاز کاذب و استخدام کارکنان برای تصدی وظایف محول شده به دولت می‌شود. در این حالات معمولاً کارکنان ضعیف و افراد وابسته به پیروان حامی‌ها و خویشاوندان در استخدام دستگاه دولتی قرار می‌گیرند و این روند منجر به گسترده شدن فساد می‌شود.^۲

سوم، از آنجاکه معمولاً مدیران نخبه و برجسته در رأس ساخت سیاسی و اقتصادی دولت‌های توسعه نیافته قرار نمی‌گیرند، لذا بزرگی دولت خود به خود موجب مدیریت و اداره ضعیف بخش‌های دولتی و بروز فسادهای ناشی از آن می‌شود.^۳

از طرفی، یکی از معضلات کشورهای دارای اقتصاد دولتی و رانتی، که در آنها دولت بسیار حجیم است، گستردگی شرکت‌های دولتی و فقدان نظارت کافی بر عملکرد آنها می‌باشد. در ایران، بعد از انقلاب اسلامی به موجب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران مصوب ۱۳۵۸، کارخانجات و شرکت‌های بازرگانی، خدماتی، تولیدی، صاحبان سرمایه وابسته به رژیم سابق، ملی شد و دولت برای اداره شرکت‌های مزبور تمهیداتی اندیشید از جمله به موجب قانون، مجاز بوده است که مدیران منتخب برای این قبیل مؤسسات ملی شده، انتخاب نماید. این مدیران می‌توانستند هم از بخش دولتی و هم از بخش خصوصی انتخاب شوند. بنابراین فقدان جایگاه و ساختار معین برای شرکت‌های مزبور، امکان بروز سوءاستفاده‌ها و ایجاد زمینه جرایم مفاسد اقتصادی را فراهم می‌نمود. از طرفی باید دقت داشت که یکی از عوامل بروز فساد مالی در شرکت‌های دولتی، عدم کنترل بودجه و عملکرد مالی این شرکت‌ها و اختیارات فراوان مدیران آنهاست^۴ که

۱. ربیعی، علی، زنده باد فساد (جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم)، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سال ۱۳۸۷، ص. ۶۵.

۲. همان.

۳. دادخدایی، لیلا، فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، تهران، انتشارات میزان، تابستان ۱۳۹۰، ص. ۲۰۹.

۴. فراهانی، محمد، جامعه‌شناسی فساد و امنیت (نگاه موردی به مقوله فساد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران)، چاپ اول، تهران، انتشارات پرسمان، سال ۱۳۸۴، ص. ۳۸.

اگرچه از بعضی جنبه‌ها باعث کارآمد شدن این شرکت‌هاست ولی در عمل مشاهده می‌شود که این اختیارات باعث ایجاد زمینه‌های سوءاستفاده مالی توسط مدیران این شرکت‌ها و عوامل غیرمستقیم آنها شده است.

در چنین نظام‌هایی، معمولاً ارتکاب جرم از طریق توسل به تکنیک‌های خنثی‌سازی توجیه می‌گردد. در واقع، ارتکاب جرم نه تنها از جانب مأموران و کارگزاران به مناسبت شغل و موقعیت، بلکه از سوی افرادی که مجبور به خرید کالاهای مصرفی از بازار سیاه هستند، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این دسته نه تنها خود را مسئول اعمال مجرمانه خود ندانسته، بلکه جرم ارتكابی را نه همچون یک عمل مذموم، بلکه شیوه‌ای برای جبران خسارت جرم، کوتاهی مدیران مافوق یا بی‌عدالتی می‌دانند که در گذشته علیه آنان ارتکاب یافته یا تحمل کرده‌اند. با این وجود در این نظام‌ها، از یکسو، رقم سیاه جرایم زیاد است و از سوی دیگر به دلیل اعطای وجه مجرمانه به آمار جنایی، امکان‌پذیر نیست.^۱ همچنین، قانون‌گذار ایران در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعدادی از جرایم اقتصادی را نام برده است که برخی از آنها مانند بند ت، ث، ج، ز، خاص نظام‌های دارای اقتصاد دولتی است. مقنن در این تبصره، انتشار حکم محکومیت این دسته از جرایم را الزامی دانسته است که این امر خود نشان دهنده رواج این جرایم در کشور و عزم قانون‌گذار برای مقابله با آنهاست.

در پایان این بحث، ذکر این مطلب مهم است که برخی اندیشمندان معتقدند که حجم بخش عمومی چندان در میزان فساد اهمیت ندارد بلکه شیوه کارکرد بخش عمومی، مهم و مطرح است.^۲ به عبارت دیگر درست است که مداخله دولت در اقتصاد، احتمال رانت را بیشتر کرده و زمینه را برای تفسیر مقررات و تخصیص منابع به وسیله کارکنان دولت فراهم می‌کند، اما آنچه که اهمیت دارد شیوه کارکردن و اداره بخش عمومی و دولتی است نه حجم وسیع آن. چرا که اگر حجم دولت وسیع باشد اما کارکرد آن درست باشد، در این صورت فساد به حداقل می‌رسد. به نظر می‌رسد این دیدگاه بر مطالعات و تحقیقات میدانی دقیقی استوار نیست و چندان قابل اعتماد نمی‌باشد چراکه دخالت دولت با رانت رابطه‌ای ناگسستنی دارد و تجربه کشورهای دارای اقتصاد دولتی هم بیانگر این مطلب است که برای توسعه اقتصادی چاره‌ای جز توسل به اقتصاد آزاد یا لیبرال و خصوصی‌سازی نداریم.

۱. ابراهیمی، شهرام، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم مأموران در نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی‌سازی»، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری در نظام مالیاتی، به کوشش شهرام ابراهیمی، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۹۲، ص. ۱۶.

۲. کریستوفر، آندوینگ جنز؛ و دیگران، فساد اقتصادی در جهان (مروری بر تحقیقات معاصر)، ترجمه و انتشار: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۸۸، ص. ۱۶۵.

۲-۲. ارتباط ارتکاب جرایم شرکتی با دوران گذار

بسیاری از کشورها برای خصوصی‌سازی اقتصاد خود و گذار از دوران اقتصاد دولتی، مرحله‌ای را تجربه می‌کنند که به آن "دوران گذار" می‌گویند. دوران گذار یعنی دورانی که اقتصاد یک کشور در حال تبدیل شدن از حالت دولتی به خصوصی است و این دوران بسترساز ارتکاب جرایم اقتصادی و شرکتی می‌گردد.^۱ لذا مدیریت صحیح نیروی انسانی و سرمایه‌های کشور و همچنین نظارت بر روند خصوصی سازی در این دوران اهمیت مضاعف می‌یابد. به نظر برخی اساتید، می‌توان تشدید و گسترده شدن فساد را تا حدود زیادی در نتیجه دوران گذار و شروع به اجرای برنامه‌های توسعه توسط کشورهای عقب‌مانده دانست، زیرا آغاز نوسازی و شروع سازندگی‌های اقتصادی چون نیازمند تزریق یکباره سرمایه داخلی و خارجی، پیوند با شرکت‌های خارجی و چندملیتی، دریافت وام‌های کلان ارزی و تزریق آن به پیکره نیمه‌آماده ماشین دولتی است و از طرفی وجود دولت‌های اقتدارگرا و همچنین فقدان آزادی‌های سیاسی و دولت‌های پاسخگو نیز با آن همراه می‌شود و بدین‌سان فساد مالی دروازه‌ای است که خواه ناخواه گشوده خواهد شد.^۲ از طرفی در این دوران، تغییر و تحولات بنیادین و شتابزده در بافت اجتماعی و فرهنگی - به‌ویژه با ورود تکنولوژی‌های جدید و استقرار شرکت‌های خارجی و چندملیتی در این کشورها - رخ می‌دهد که باعث از هم گسیختگی می‌گردد. لذا مدیریت صحیح اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این دوره بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است.

در دوران گذار، به دلایلی که اشاره شد، دولت‌ها دچار نوعی از هم‌گسیختگی و نابسامانی در امور اقتصادی می‌گردند که این نابسامانی موجب ارتکاب جرایم به طور کلی و جرایم شرکتی به طور خاص می‌گردد. در این راستا شاید بتوان گفت که دولت‌ها در دوران گذار دچار نوعی *انومی اقتصادی* می‌گردند که این انومی، بستر ارتکاب جرم بنگاه‌ها، مؤسسات یا مدیران و صاحبان آنها را فراهم می‌کند. در همین راستا یکی از

۱. به ویژه اینکه در این دوران، اموال و سهام شرکت‌های دولتی در حال واگذاری به بخش خصوصی است و لذا نحوه واگذاری آنها و همچنین نفوذ و رانت افراد برای تصاحب آنها به ثمن بخش، بسیار محتمل و در عین حال خطرناک است. این واگذاری در قالب معامله و قراردادهای فروش و واگذاری صورت می‌پذیرد که خود منبع بالقوه بروز و ظهور رفتارهای فسادآمیز نظیر رانت‌جویی، اخذ رشوه، پارتی‌بازی و اعمال نفوذ در خصوص انعقاد قراردادهای اعطای امتیازها است.

۲. ربیعی، علی، منبع پیشین، ص. ۱۱۲. در این زمینه همچنین رک. رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل‌الله؛ و غلامرضا زال‌پور، بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، صص. ۷۲ و بعد.

جرم‌شناسان معتقد است که بزهکاری کسب و کار ممکن است نتیجه نوعی آشفتگی و درهم‌ریختگی نظام اقتصادی و محیط‌های کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی باشد که نیاز به اصلاح و مداخله انتظام‌بخش دولت دارد (نوعی انومی اقتصادی).^۱ در این شرایط نابسامان که اقتصاد کشورها دچار از هم‌گسیختگی شده است، ارتکاب جرایم شرکتی ممکن است نه تنها از تمایل به موفقیت مادی بلکه از ترس ناشی از دست‌دادن آنچه که فرد اکنون دارد، ناشی شود. در این شرایط برخی شرکت‌ها به این دلیل مرتکب جرایم شرکتی می‌شوند که می‌ترسند اگر چنین کاری نکنند با ریسک از دست دادن آنچه که فرد اکنون دارد روبرو خواهند شد. در این راستا نظریه‌ای بیان شده است با عنوان: "حرص و طمع یا ترس و واهمه"^۲؟ مطابق این رویکرد ترس از شکست همانند طمع برای موفقیت، می‌تواند افراد را به ارتکاب جرم یقه‌سفیدی و شرکتی سوق دهد. در واقع ترس ناکامی و شکست می‌تواند یک عامل انگیزشی منحصر به فرد در ارتکاب جرم شرکتی باشد.^۳ به عبارت دیگر، برای کسانی که به وضعیت اجتماعی بالا و رفاه زیاد خو گرفته‌اند، احتمال از دست دادن این موقعیت و رفاه به خاطر رکود و فشارهای اقتصادی، می‌تواند منبع فشاری برای ارتکاب جرایم شرکتی در مواجهه با این شرایط باشد. برای نمونه تاجری که یک شرکت ساختمانی کوچکی را مدیریت می‌کرد، به دلیل ترس ناشی از دست دادن تجارت، چک‌های تقلبی را صادر می‌کرد. او استدلال می‌کرد که انگیزه جرم ارتكابی وی ترس از دست دادن چیزی بود که برای به دست آوردن آن سخت تلاش کرده بود.^۴ در این قسمت، برای تبیین بهتر مطالب می‌توان از نظریه فشار نیز استفاده نمود. طبق نظریه فشار مرتون، مردم در جوامع دارای ساختار فرهنگی مادی‌گرایی و رقابتی، دائماً تحت فشار و استرس برای نیل به اهداف بالاتر تعریف و ترویج‌شده جامعه هستند. در این موارد، به رغم ترویج و تشویق زیاد برای دسترسی به اهداف مشروع و مقبول، وسایل و راه‌های قانونی وصول به این اهداف در دسترس همگان قرار ندارد. همین شکاف بین وسایل و اهداف، موجب واکنش‌های مختلف از سوی اشخاص می‌شود. یکی از این واکنش‌ها، به صورت نوآوری و خلاقیت می‌باشد که ممکن است در قالب ارتکاب جرایم مختلف از جمله جرایم شرکتی ظاهر شود.^۵

۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از جرم یقه‌سفیدی تا جرم اقتصادی»، دیپاچه در: رحیمی‌نژاد، اسمعیل (مترجم)، جرایم یقه‌سفیدی (رویکردی فرصت‌مدار)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱، صص. ۱۴-۱۳.

2. Greed or Fear

۲. سیمپسون، سالی؛ و مایکل بنسون، جرایم یقه‌سفیدی؛ رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی‌نژاد، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۴-۱۲۳.

۳. همان، ص. ۱۲۴.

۴. گفتنی است که یکی از رویکردهای جدیدی که اخیراً در مورد تبیین جرایم شرکتی مطرح شده، نظریه عمومی فشار رابرت آگنو است. برای مطالعه این رویکرد جدید رک. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ و مجید صادق‌نژاد نایینی، منبع پیشین.

به نظر می‌رسد که کشور ایران که چند سالی است روند خصوصی‌سازی را شروع کرده است، در این دوران - یعنی دوران گذار - قرار دارد و لذا مدیریت صحیح در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از ضروریات این دوره است. لذا باید در نحوه خصوصی‌سازی و واگذاری اموال و سهام دولتی به بخش خصوصی نهایت دقت را اعمال نمایند تا اموال دولتی با ثمن بخش و تحت نفوذ و رانت افراد سودجو به تاراج نرود. بنابراین، یکی از بایسته‌های مهم در فرایند خصوصی‌سازی، نحوه صحیح قیمت‌گذاری و واگذاری اموال دولتی است که عدم رعایت این امر باعث ورود زیان‌های فراوان به نظام اقتصادی می‌گردد. به همین دلیل است که در "بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کارکرد ضعیف یا نامتناسب خصوصی‌سازی باعث سودجویی برخی افراد از راه تغییر قیمت‌ها و انتقال انحصار از بخش دولتی به بخش خصوصی شده است."^۱ بنابراین، باید دقت داشت که گاهی خود خصوصی‌سازی ممکن است منجر به ایجاد جرایم شرکتی گردد که البته با اتخاذ تدابیر مناسب می‌توان از آنها پیشگیری نمود. به عنوان نمونه ممکن است حذف تشریفات مربوط به اخذ مجوز از ده مورد به یکی، در شرایطی باعث افزایش مبلغ رشوه گردد.^۲ در همین راستا، قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۵ قانون برنامه سوم توسعه، تشکیل سازمان خصوصی‌سازی را پیش‌بینی کرده که وکالت و واگذاری شرکت‌هایی که مورد تصویب قرار گرفته‌اند را بر عهده دارد. در همین راستا، برخی اقتصاددانان معتقدند که اگر خصوصی‌سازی همراه با اصلاح ساختارهای دیگر و به روش صحیح صورت نگیرد، در این صورت با فرایند "خصوصی ساختن خصوصی‌شده‌ها"^۳ مواجه خواهیم شد. یعنی مافیاهای خصوصی جایگزین دیوان‌سالاران دولتی خواهند شد که رفتاری به مراتب آزمندانه‌تر از دیوان‌سالاران خواهند داشت و کارایی کل اقتصاد را کاهش می‌دهند.^۴

بنابراین باید از تجربه کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی که این دوران را سپری کرده‌اند استفاده نمود تا دچار فساد مالی عظیم‌تر نشویم. چون اگر خصوصی‌سازی به نحو نادرست صورت بگیرد، رانت از بخش دولتی به بخش‌های نظامی و شبه‌دولتی انتقال می‌یابد و بدون تردید این نوع از رانت بسیار خطرناک‌تر خواهد بود و در واقع مصداق دفع فاسد به افسد خواهد بود.

۱. رهبر، فرهاد، منبع پیشین، ص. ۱۶۱.

2. Ackerman, Rose, "Corruption: A Study in Political Economy", American Political Science Review, vol. 61, No 2, 1978, p. 41.

3. Privatizing the Privatized

۴. تورنل، ارون، «خصوصی ساختن خصوصی‌شده‌ها»، ترجمه آن جمال دیکاله، در: الزامات و نتایج خصوصی‌سازی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۹، صص. ۷ و ۲۶.

۲-۳. تحلیل جرایم شرکتی با رهیافت اقتصادی رانت‌جویی

عده‌ای از محققان برای تبیین فساد مالی و شرکتی، رویکردهای پنج‌گانه‌ای را ارائه داده‌اند^۱ که یکی از این رویکردها، رهیافت اقتصادی و رویکرد رانت‌جویی است. رهیافت اقتصادی، ریشه مفاسد را در ساختار اقتصادی توسعه‌نیافته می‌داند که آن نیز به نوبه خود عامل محوری را در این زمینه، دخالت بیش از حد و حصر دولت در اقتصاد می‌داند. در واقع اقتصاد دولتی - به‌ویژه تک‌محصولی - مهم‌ترین پایگاه مفاسد سیاسی- اقتصادی تلقی می‌شود که دولت را قادر به تخصیص و توزیع خودسرانه منابع عمومی و به عبارتی امتیازات ویژه اقتصادی و اجتماعی می‌نماید که این اختیارات ویژه یا رانت‌ها با کنترل و تحدید عملیات بازار، سهمیه‌بندی فرایند مبادلات خارجی و مجوزبندی بخشی از فعالیت‌های پرمنفعت اقتصادی، تشدید می‌گردد.^۲ در درون رهیافت اقتصادی، رویکردی ظهور کرد با نام رویکرد رانت‌جویی که امتیازات ویژه در نظام‌های اقتصادی، رانت‌هایی که در اختیار تصمیم‌گیران سیاسی قرار می‌گیرد و قوانین و مقرراتی که در آن تصمیمات فردی، زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، از ویژگی‌های این رویکرد به شمار می‌روند. همچنین فاصله بین سود به دست آمده از مجوزها و هزینه‌های پرداخت‌شده، رابطه اقتصادی را فاسد می‌سازد.^۳

واژه رانت‌جویی اولین بار در تجزیه و تحلیل فساد از سوی اقتصاددانان مطرح شد. رانت در لغت به معنای کرایه و اجاره گرفتن چیزی است. در مبحث فساد مالی، رانت وقتی شکل می‌گیرد که فردی از فرصت‌های غیرقانونی که بر اساس موقعیت یا رابطه به دست آورده، استفاده کند و در مسیر کسب منفعت از آن بهره‌برداری نماید.^۴ امروزه معنای رانت، مفهوم گسترده‌ای پیدا کرده است و هرگونه درآمد حاصل از امتیازات انحصاری، محدودیت‌ها و مجوزها را اصطلاحاً رانت می‌گویند. مصداق بارز این مفهوم از رانت، درآمدهای باد آورده‌ای است که مجوز انحصاری دولتی در عرصه تولید، توزیع، صادرات و واردات ایجاد کرده است.^۵

۱. ربیعی، علی، منبع پیشین، صص. ۲۴ به بعد.

۲. همان، صص. ۲۵.

۳. همان، صص. ۲۷.

۴. دادگر، حسن؛ و غلامعلی معصومی‌نیا، فساد مالی، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۳، صص. ۱۶.

۵. ابریشمی، حمید؛ و محمد هادیان، «رانت‌جویی و رشد اقتصادی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۳، صص. ۱۴.

در مفهوم اقتصادی، نه تنها اشخاص حقیقی بلکه اشخاص حقوقی نیز می‌توانند از رانت بهره‌مند گردند، که بزرگ‌ترین این اشخاص حقوقی، دولت است. از این‌رو اصطلاح دولت رانتیر شکل می‌گیرد. دولت رانتیر، هر دولتی که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت، یعنی درآمد بدون تلاش دریافت کند، دولت رانتیر نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، دولت رانتیر دارای این ویژگی است که از فروش کالاها و خدمات با قیمتی بسیار بالاتر از هزینه تولید آنها، به طور مستقیم درآمد دریافت می‌کند.^۱ از لحاظ حقوقی، تعریف رانت عبارت است از: تحصیل یک‌جانبه و عمدی هر نوع مزایایی (مالی یا غیرمالی) از سوی کارگزاران حکومتی با سوءاستفاده از موقعیت شغلی خویش بر خلاف قانون یا حقوق دیگران از طریق افشای اطلاعات یا استفاده شخصی از آن، استخدام اشخاص، واگذاری امتیازات و امثالهم.^۲

رانت اقتصادی حالتی است که در آن فعالیت‌های اقتصادی پرمفعت به صورت مجوز واردات یا صادرات کالا یا خدمات و نیز به صورت صدور موافقت‌نامه‌های اصولی به انحصار فرد، گروه یا حزب خاصی درمی‌آید. همچنین استفاده از وام‌های کلان بانکی ارزی به صورت یارانه‌ای یا وام‌های کلان ریالی با نرخ سودهای بسیار پایین که تنها در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گیرد، نوعی رانت اقتصادی محسوب می‌شوند.^۳

نظام‌های اقتصادی دولتی بستری مناسب برای ایجاد رانت هستند زیرا تمامی امکانات و اعطای تسهیلات در اختیار دولت و کارکنان آن است و صرفاً کسانی می‌توانند از این موارد استفاده ببرند که دارای رانت باشند. به تعبیردیگر، رانت خود تابع یک اقتصاد بسته و انحصارطلب است که اگر سرمایه‌های خدادادی همچون نفت و گاز را نیز به آن اضافه کنیم، بستر مناسبی جهت رانت‌خواری فراهم می‌گردد. مفهوم رانت به تدریج بر فعالیت‌های اقتصادی دولتی سایه انداخته و چهره منفی آن نمود یافت به گونه‌ای که رانت گاهاً با مفهوم فساد همانند تلقی می‌گردند. فساد و رانت هر دو محصول مداخله دولت در اقتصاد هستند تا جائیکه گری بیکر معتقد است که فساد و رانت با برداشتن دولت، از بین می‌روند.^۴

در کنوانسیون مریدا نیز انجام برخی اقدامات از سوی کارگزاران حکومتی (از جمله رانت‌جویی) را منع نموده است و از کشورها می‌خواهد در این خصوص

۱. خسروانی نژاد، محمدجواد، رانت از منظر حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰، ص. ۳۳.

۲. همان، ص. ۳۴.

۳. همان، ص. ۳۵.

۴. نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، سال ۱۳۸۹، صص. ۳۵۹-۳۵۸.

اقدامات تقنینی لازم، از جمله تعیین مجازات، را به عمل آورند. ماده ۱۸ این کنوانسیون با عنوان "اعمال نفوذ در معاملات" و در ماده ۱۹ خود با عنوان "سوء استفاده از وظایف" به این موارد توجه نموده است.

در بحث ما یعنی جرایم شرکتی نیز، وجود رانت در تسهیل ارتکاب جرایم شرکتی بسیار مهم و تأثیرگذار است. به عنوان نمونه یکی از مصادیق رانت در دستگاه‌های دولتی به‌ویژه در بازار بورس و اوراق بهادار، که منجر به جرایم شرکتی از قبیل دادن رشوه و اعمال نفوذ ناروا می‌گردد، رانت‌های اطلاعاتی است. در حوزه بورس، ارزش اطلاعات به مراتب از بازار عادی بیشتر است. چون در بازار بورس، اساساً مبنای کار بر اطلاعات است و لذا اطلاعات در حوزه بورس دارای بیشترین حد از اهمیت است. کارمندان فاسد دولتی که به این اطلاعات دسترسی دارند ممکن است با سوءاستفاده از موقعیت خود این اطلاعات را در مقابل اخذ وجه از برخی شرکت‌ها یا افراد حقیقی، در اختیار آنها قرار داده و ایشان را از امکانات و امتیازاتی بهره‌مند کند که برای طبقات دیگر اجتماع قابل دسترسی نیست.^۱ این موضوع باعث فرار سرمایه‌ها و تردید سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری شده و چون خلاف عدالت معاوضی است، ضربه محکمی بر عدالت و رقابت سالم اقتصادی در جامعه وارد می‌کند.

۳. ماهیت نظام اقتصادی ایران و ارتباط آن با جرایم شرکتی

در مورد ماهیت نظام اقتصادی ایران و ارتباط آن با جرایم شرکتی باید ابتدا این نکته به طور دقیق تبیین گردد که ماهیت نظام اقتصادی ایران دولتی است یا لیبرال یا ماهیت خاصی دارد؟ در این مورد سه رویکرد وجود دارد: نخست، برخی نویسندگان و بلکه اکثر آنها معتقدند که نظام اقتصادی ایران یک نظام اقتصاد دولتی است و همین امر باعث ایجاد رانت‌های دولتی و جرایم شرکتی گردیده است.^۲ بسیاری از جرایم شرکتی با این دیدگاه قابل تحلیل هستند، زیرا اقتصاد دولتی که مبتنی بر رانت و تبعیض است، زمینه را برای ارتکاب بسیاری از جرایم شرکتی مانند حساب‌های ساختگی یا فرار مالیاتی یا پرداخت رشوه فراهم می‌کند. زیرا در چنین جامعه‌ای نابرابری‌های غیررسمی بر برابری‌های رسمی غلبه پیدا کرده، موجب می‌شود تا برخی

۱. در همین راستا و به منظور حمایت از سرمایه‌های مردم، مقنن ایرانی "معامله متکی بر اطلاعات نهانی" را جرم‌انگاری کرده و در بند ۲ ماده ۴۶ قانون اوراق بهادار ۱۳۸۴ آن را ذکر نموده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک. صفاری، علی؛ و سیده وحیده دریانورد، «بررسی جرم دستکاری در بازار بورس»، دائرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲.

۲. فراهانی، محمد، منبع پیشین، ص. ۳۹.

افراد با سازوکارهای غیررسمی از جمله "رانت" به اهداف خود دست یابند و عده‌ای دیگر که قربانی نابرابری‌های غیررسمی هستند، از دستیابی به اهداف خود ناکام مانند. در همین راستا، به اعتقاد برخی، در ایران، به دلیل وجود نظام اقتصاد دولتی رانتی، بسترهای کافی برای رانت‌خواری و سوءاستفاده و تبعیض وجود داشته باشد. این شکاف و فشار حاصل از آن که نتیجه قهری نظام اقتصاد دولتی - نیمه دولتی و رانتی است، می‌تواند ارتکاب بسیاری از جرایم شرکتی، به‌ویژه پرداخت رشوه برای ترخیص کالا از گمرک، قاچاق کالا و ارز، جرایم بانکی و ... را تبیین کند.^۱

دوم، در مقابل این دیدگاه، برخی از نویسندگان معتقدند که اقتصاد در کشور ما به تعبیری می‌تواند اقتصاد خنثی نامیده شود، از آن جهت که نه ویژگی‌های اقتصاد دولتی را داراست و نه از خصوصیات اقتصاد آزاد و رقابتی برخوردار می‌باشد.^۲

سوم، برخی به استناد مقدمه قانون اساسی و ماهیت نظام جمهوری اسلامی که نظامی مبتنی بر فقه اسلامی است، معتقدند که ماهیت نظام اقتصادی ایران، از نوع اقتصاد اسلامی است. چون در مقدمه قانون اساسی و در قسمت شیوه حکومت در اسلام بیان شده است که "اقتصاد، وسیله است نه هدف"، در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است. این عبارات قانون اساسی بیانگر آن است که مقنن بر اجرای قواعد اقتصاد اسلامی در ایران نظر داشته است.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که نظام اقتصادی ایران منطبق با هیچ یک از نظام‌های اقتصادی شناخته‌شده جهان (لیبرال و دولتی) نیست و لذا نظامی مختلط محسوب می‌گردد و به همین دلیل اجماع بر روی ارزش‌های بنیادین نظام اقتصادی ایران با دشواری‌های فراوان روبروست. همین ویژگی، یعنی ماهیت خاص و مختلط داشتن نظام اقتصادی ایران باعث شده است تا علت‌شناسی و اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در قبال جرایم مرتبط با این حوزه با دشواری‌های فراوانی مواجه گردد، زیرا

۱. نجفی ابرندآبادی و صادق‌نژاد نائینی، منبع پیشین، ص. ۶.

۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، منبع پیشین، صص. ۱۶-۱۵.

تحلیل‌های علت‌شناسانه و راهکارهای پیشگیرانه‌ای که در این خصوص در نظام‌های لیبرال و دولتی ارائه شده است، هیچ کدام به طور کامل در مورد نظام اقتصادی ایران پاسخگو نخواهند بود.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که بین نوع و ماهیت نظام اقتصادی و ارتکاب جرایم شرکتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنا که گاهی ساختار نظام اقتصادی می‌تواند بسترساز ارتکاب جرایم شرکتی گردد و لذا مقابله و پیشگیری از این جرایم قبل از هرچیز نیازمند اصلاح یا تغییر این ساختارهاست. زیرا تا این ساختارها اصلاح نگردد، پیشگیری از این جرایم نیز امکان‌پذیر نخواهد بود و به عبارت دیگر، رویکرد کیفی صرف در قبال این جرایم بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی جرم‌زا، در واقع مبارزه با معلول است و نه علت و چنین مبارزه‌ای بی‌شک محکوم به شکست است. به بیان دیگر، نظام‌های اقتصادی مختلف، اعم از دولتی یا آزاد (لیبرال)، دارای جرایم خاصی متناسب با ساختار و ماهیت خود هستند. برای نمونه، در نظام‌های اقتصاد دولتی، جرایم اختلاس و سوءاستفاده از اموال دولتی شایع است اما در نظام‌های اقتصاد لیبرال که بر مداخله حداقلی دولت در تنظیم بازار استوار است، جرایم علیه صداقت و اعتماد در روابط تجاری مانند تبلیغات کاذب و جرایم مربوط به نقض قواعد رقابت آزاد بسیار شایع است. بنابراین، هر یک از این نظام‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت جرایم، با هم متفاوت هستند. از این‌رو، مطالعات علت‌شناسی و پیشگیری جرایم (از جمله، جرایم شرکتی) باید افتراقی و متناسب با ویژگی‌های این نظام‌های اقتصادی باشد.

با توجه دیدگاه‌های مختلف ارائه‌شده، به نظر می‌رسد که یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارها برای مقابله و پیشگیری از جرایم شرکتی، خصوصی‌سازی است و در این راستا باید برای گذار از مرحله اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی، دقت فراوان نمود؛ زیرا این دوره منشأ و بسترساز بسیاری از جرایم شرکتی کلان است و لذا در این دوران، مدیریت صحیح و علمی در همه جوانب به خصوص در زمینه واگذاری اموال دولتی، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است.

در مورد کشور ایران نیز همان‌طور که ذکر شد، نگارنده معتقد است که کشور ایران که روند خصوصی‌سازی را شروع کرده است در دوران گذار قرار دارد و لذا زمینه‌ها برای انواع سوءاستفاده و تاراج اموال دولتی فراهم است، بنابراین باید در نحوه واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی نهایت دقت را اعمال نموده و در این مورد می‌توان از تجربه کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی که این دوران را سپری کرده‌اند، استفاده نمود تا دچار فساد مالی عظیم‌تر نشویم. باید به این نکته بسیار مهم و ظریف توجه داشت که اگر خصوصی‌سازی به نحو نادرست صورت بگیرد، رانت از بخش دولتی به بخش‌های نظامی و شبه‌دولتی انتقال می‌یابد و بدون تردید این نوع از رانت بسیار خطرناک‌تر از رانت دولتی خواهد بود و در واقع مصداق دفع فاسد به افسد خواهد بود.

به نظر می‌رسد که رویکردهای کلان و ساختاری برای تبیین جرایم شرکتی بسیار مفید باشد. اما نباید از این نکته مهم غافل بمانیم که جرایم شرکتی همانند سایر جرایم، از اقتران عوامل متعدد حاصل می‌گردد. به بیان بهتر، جرایم شرکتی، پدیده‌ای چندبُعدی هستند، بنابراین مطالعات جرم‌شناختی این جرایم نیز باید چندبُعدی یا در قالب نظریه‌های یکپارچه شده باشد تا بتواند تحلیلی دقیق و علمی را برای ما ارائه نماید. رویکردهای کلان و ساختاری، به‌رغم تبیین‌های خوبی که ارائه می‌دهند، به تنهایی نمی‌توانند برای تحلیل جرایم شرکتی کافی باشند و لذا باید از سایر نظریه‌ها نیز استفاده نمود و با رویکردی تلفیقی و چندبُعدی به مطالعه جرایم شرکتی پرداخت.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم مأموران در نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی‌سازی»، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری در نظام مالیاتی، به کوشش شهرام ابراهیمی، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۹۲.
- _____، «درباره اهمیت جرایم اقتصادی (دیباچه مترجم برای ویراست دوم)»، در: گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲.
- ابریشمی، حمید؛ و محمد هادیان، «رانت‌جویی و رشد اقتصادی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۳.
- پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم (با اضافات و بازنگری شده)، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۳.
- تورنل، ارون، «خصوصی ساختن خصوصی‌شده‌ها»، ترجمه آلن جمال دیکاله، در: الزامات و نتایج خصوصی‌سازی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۹.
- خسروانی نژاد، محمدجواد، رانت از منظر حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰.
- دادخدایی، لیلا، فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای ماب ارزه با فساد، تهران، انتشارات میزان، تابستان ۱۳۹۰.
- دادگر، حسن؛ و غلامعلی معصومی‌نیا، فساد مالی، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، سال ۱۳۸۳.
- ربیعی، علی، زنده باد فساد (جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم)، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سال ۱۳۸۷.
- رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل‌الله؛ و غلامرضا زال‌پور، بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱.
- سیمپسون، سالی؛ و دیوید ویزبرد، جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان، برگردان حمیدرضا دانش‌ناری و آزاده صادقی، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- سیمپسون، سالی؛ و مایکل بنسون، جرایم یقه‌سفیدی؛ رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی‌نژاد، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- صفاری، علی؛ و سیده وحیده دریانورد، «بررسی جرم دستکاری در بازار بورس»، دائره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲.

- فراهانی، محمد، جامعه‌شناسی فساد و امنیت (نگاه موردی به مقوله فساد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران)، چاپ اول، تهران، انتشارات پرسمان، سال ۱۳۸۴.
- فیروزمنش، افشین، نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، مرداد ۱۳۸۵.
- کابلی‌زاده، احمد، خصوصی‌سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تابستان ۱۳۸۴.
- کریستوفر، آندوینگ جنز؛ و دیگران، فساد اقتصادی در جهان (مروری بر تحقیقات معاصر)، ترجمه و انتشار: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۸۸.
- گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۲.
- گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، اسفندماه ۱۳۸۸.
- الله‌وردیان، سدا، «اهداف اقتصادی کشورهای اسکاندیناوی»، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۲۴، فروردین ۱۳۷۱.
- محسنی، فرید، «جرایم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۱.
- مگواپر، مایک؛ گان، رادمور؛ و رابرت رینر، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد اول، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۹.
- مهدوی، محمد مهدی، «توسعه اقتصادی در اقتصاد دولتی و خصوصی»، مجله جامعه فردا، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از جرم یقه‌سفیدی تا جرم اقتصادی»، دیباچه در: رحیمی‌نژاد، اسمعیل (مترجم)، جرایم یقه‌سفیدی (رویکردی فرصت‌مدار)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
- _____، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم» (دیباچه ویراست دوم)، در: نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ و مجید صادق‌نژاد نایینی، «نظریه عمومی فشار و جرایم شرکتی»، مجله تحقیقات حقوقی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۲.

- نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، سال ۱۳۸۹.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، «زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۸۶.
- وایت، راب؛ و فیونا هینس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه میر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۸۹.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ و جفری اسنیپس، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، ویراست ششم، تهران، نشر دادگستر، سال ۱۳۹۲.

- Ackerman, Rose, "Corruption: A Study in Political Economy", American Political Science Review, vol. 61, No 2, 1978.
- Carrington, Kerry; and Russell Hogg, Critical Criminology (Issues, Debates, Challenges), Willan Publishing, 2002.
- Cowling, Mark, Marxism and Criminological Theory: a Critique and a Toolkit, Palgrave Macmillan, 2008.
- Siegel, Larry, Criminology; the Core, Fourth Edition, Wadsworth Cengage Learning, 2011.
- Simpson, Sally, Corporate Crime, Law and Social Control, Cambridge University Press, 2002.